



مثنوی عربی

*

احمد موسوی

تحقیق: احسان قاسم الصالحی

چاپ چهارم، چاپخانه سوزلر، استانبول، ۱۹۹۹ م.

آن و همچنین مبارزه لائیکها با مظهرهای دینی به طوری که از پوشیدن لباس اسلامی از قبیل عمامه و ... جلوگیری کردند.

ب- منع آموزش دینی که باعث گوشه‌گیری جامعه و زیر سؤال بردن شاغلین به تحصیل علوم دینی شد. از همه بدتر منع مسلمانان از خواندن قرآن - چنان که در توصیه‌ی گلاستون، وزیر مستعمره‌های انگلیسی، آمده است.

نورسی معتقد است که حقایق ایمان در معرض خطر قرار دارد و جنگ - به نظر او - از ممنوعیت شریعت اسلامی یا مظهرهای آن فراتر می‌رود. آنان کوشش می‌کنند که پیوند دینی مردم را به وسیله‌ی از بین بردن حقایق ایمانی از دل‌ها ریشه کن کنند.

«نورسی، کتاب خود، مثنوی عربی را، به عنوان راه حل و جایگزین مناسب قلمداد و مطرح می‌سازد زیرا - به نظر وی - این کتاب، معجزه معنوی قرآن است و پایه‌ها و ستون‌های ایمان را با تثبیت و حفظ و دور نگاه داشتن آن از شبهه‌ها محکم‌تر می‌کند؛ به گونه‌ای که کسانی که در این مثنوی عربی تفحص و دقت نمودند. به ضرورت آن برای این زمان اذعان دارند.»^۲

کتاب مثنوی عربی در برگرفته رسایل نور است. ماهیت بحران در اندیشه نویسنده همانند مولوی، مضامین کتاب و روش عرضه آن را تهدید می‌کند، زیرا به نظر او بحران در غلبه اندیشه جدلی و فلسفه مادی - مانند روزگار مولوی - تلخیص می‌شود و چون دیدگاه او با دیدگاه مولوی یکی است، پس راه حل پیشنهادی او با راه حل مولوی یکسان است، راه حلی که به قرآن در بعد روحی آن تکیه می‌کند.

پس روشن و واضح است که مثنوی عربی و مثنوی معنوی مولوی در شرایطی همانند که در کنار گذاشتن روحيات و معنویات و خطاب اسلامی خلاصه می‌شود، به دنیا آمدند و برای برگرداندن امور به وضع طبیعی خود و

«مثنوی عربی - که شامل رسایل نور و ریشه آن است - سعی کرد در تظهير و پاکسازی نفس و درون انسان مؤثر باشد و در این مهم توانسته است در گشایش راهی از روح به دل موفق شود.»^۱

صاحب این کتاب، بدیع الزمان نورسی است که در قرن سیزدهم هجری می‌زیسته است و به سال ۱۲۹۳ هـ - ۱۸۷۳ م در خانواده‌ی کردی متولد شد. پدر او، انسانی عارف و متصوف بود. سفر نورسی برای تحصیل شگفت‌انگیز بود. او در مراحل اولیه تحصیل نبوغ زیادی داشت. نورسی در رمضان سال ۱۳۷۹ هـ - ۱۹۶۰ م در «اروفه» در گذشت.

او نوشته‌های زیادی به دو زبان عربی و ترکی دارد. از جمله آثار عربی اوست:

اشارات الاعجاز فی مظان الایجاز»، «مثنوی عربی»، «تعلیقات فی المنطق» و «الخطبة الشامیة».

نورسی زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که علم کلام و روش‌های جدلی آن بر عرصه فرهنگی حاکمیت داشت و بدیهی است که چنین محیطی، رشد معرف و نفس خاصی می‌طلبد. بدین دلیل که اندیشه مؤثر در شکل‌گیری پیام آن، هیچ وقت نمی‌تواند از عامل زمان فراتر برود. پس این عارف، با زمان خویش هماهنگ و سازگار بود چرا که او از دردها و آرمان‌های امت خود در درون مایه خطاب و پیام و چگونگی آن آگاه بود.

بدیع الزمان نورسی در شرایطی کاملاً مشابه شرایط جلال الدین مولوی در سطح معرفی و جغرافیایی به دنیا آمد. روزگار نورسی ویژگی‌های زیادی داشته که از آن جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: الف - کنار گذاشتن و حذف خطاب اسلامی مخصوصاً در جنبه سیاسی

*. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

همچنین برای این که به حقایق قرآنی خدمت کرده باشند، دو عارف (نورسی و مولوی) به نظم بر اساس قرآن (از حیث سبک و مضمون) روی آوردند.

شاهد ما در آنچه تقریر یافت، گفته نورسی است که: «اگر مولانا (جلال الدین الرومی) در این روزگار زنده بود، مثنوی عربی (رسایل النور) را می‌نوشت و اگر من در آن روزگار بودم، مثنوی معنوی را به رشته نظم می‌کشیدم، زیرا خدمت ایمان و قرآن در آن دوران نوشتن مثنوی معنوی را اقتضا می‌کرد، اما اکنون این خدمت بر اساس مثنوی عربی (رسایل نور) استوار است.»^۳

علامه نورسی، مثنوی عربی را عنوانی برای جلد ششم - براساس تنظیم محقق - انتخاب کرد که این جلد در واقع مجموعه نامه‌های خود اوست که به «رسایل نور» موسوم است. این نامگذاری جهت تیمن و تبرک به جلال الدین مولوی صاحب مثنوی فارسی، صورت گرفت و برای تشخیص آن از مثنوی معنوی، نورسی نام آن را «مثنوی عربی» گذاشت. علت این نامگذاری به عوامل زیر باز می‌گردد:

۱- جایگاه معنوی بالا که مثنوی مولوی در دل‌ها و عقل‌های کلیه مسلمانان در تمام اعصار داشته و دارد. علامه نورسی درباره خود می‌گوید: «پس نورسی به زبان عربی - در حکم مثنوی شریف که به زبان فارسی نگاشته شده - نامه‌های زیادی در عبارات کوتاه تألیف نمود و آنها را به چاپ رساند...»^۴

۲- هدف از مثنوی مولوی، تجدید ایمان و تثبیت آن در دل‌ها و احیای آن در جامعه بود تا مقاصد اجتماعی و حیاتی به طور کلی تحقق یابد^۵، به همین دلیل نورسی کتاب خود را مثنوی عربی نامید. گواه ما در این برداشت، گفته یکی از محققان است که از نورسی نقل کرده: «تأثیر این رسایل در قلب و عقل و روح و نفس، همانند تأثیر مثنوی معنوی است که در بین همه مردم متداول و رایج است. همچنین کارسازی آن در تجدید ایمان و تثبیت آن در قلب و احیای روح در نفس، مانند کارسازی مثنوی معنوی است، استاد نورسی این نامه‌ها را مثنوی نامید.»^۶

۳- نورسی کتاب خود مثنوی عربی را مثنوی دوم یا نسخه عربی آن برمی‌شمارد: «... همانا در مثنوی عربی نگاه می‌کنی، منظوم آن مجموعه عربی است از مسایل و حقایق دقیق که هر یک از آنها می‌تواند به تنهایی موضوع رساله‌ای باشد...»^۷

«کتاب مثنوی عربی هسته «رسایل نور» و ریشه آن به شمار می‌رود، مردم را از فریب‌های شیاطین انس و جن نجات می‌دهد... و پوشیده نیست که آن اطلاعات در حکم مشهودات است و یقین علم مانند عین یقین است،

قناعت را ایجاد و اطمینان را ایجاد می‌کند»^۸.

تأثیر مثنوی معنوی در مثنوی عربی چند جنبه دارد که پرداختن به تمام جنبه‌های آن از حوصله این مقاله خارج است، لذا به ذکر چند نکته اکتفا می‌کنیم:

تأثیر بافت ادبی: مثنوی رهنمودها و درس‌های خود را بر اساس داستان و حکایت بنا ساخته است و همین روش را نورسی عیناً اتخاذ کرده و به این مسأله تصریح و اذعان دارد.^۹

تأثیر عاطفی: نورسی عبارات‌های عاطفی و روحی مؤثر استاد خود را به کار می‌گیرد. این مسأله به طور واضح و آشکار در مضمون دو مثنوی یافت می‌شود.^{۱۰}

مضمون معرفی: مضامین مشترک و متشابه از قبیل: موضوعات دینی، تربیتی، موضوعات متداول در علم کلام (الهیات، نبوت، جبر و اختیار، انسان و ...) موضوعات تصوف (روحیات، قلب، اخلاق، توحید روحی، وحدة الوجود، وحدة الشهود، فنا، عشق و ...)

نورسی در «مثنوی عربی همین موضوعات را با همان شیوه و نگرش، مورد بررسی و مطالعه قرار داد.»^{۱۱}

از این چشم‌انداز، این کتاب با مثنوی معنوی تفاوت نمی‌کند و نورسی، خود به این امر تصریح کرده و کتاب خود را ادامه یا نسخه دوم مثنوی معنوی دانسته و فهرست‌های دو کتاب، این تشابه را نشان می‌دهد.

پی‌نوشتها

- ۱- مثنوی عربی (بدیع الزمان نورسی)، تحقیق: احسان قاسم الصالحی، ص ۳۳
- ۲- ملاحق (نورسی)، ترجمه: احسان قاسم الصالحی، چاپ اول، ۱۹۹۵ م، ص ۱۰۵
- ۳- سیره ذاتی (نورسی) از احسان قاسم الصالحی. چاپ اول، ص ۵۳۸
- ۴- مثنوی عربی (نورسی)، ص ۳۱
- ۵- رجال الدعوة از ابوالحسن ندوی، جلد اول
- ۶- مثنوی عربی (نورسی)، ص ۸
- ۷- همان، ص ۳۳
- ۸- همان، ص ۳۱
- ۹- صیقل اسلام (نورسی) ص ۵۸
- ۱۰- مثنوی عربی، ص ۲۱۲
- ۱۱- مثنوی عربی، صص ۳۲ به بعد